

Research Paper

Tunisia; the Coexistence of Secularism and Fundamentalism



*Mani Kalani¹

1. Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Kalani, M. (2021). [Tunisia; the Coexistence of Secularism and Fundamentalism (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 11(39), 426-445.



Received: 08 Feb 2021

Accepted: 20 Feb 2021

Available Online: 01 Aug 2021

Keywords:

Context, Moderate Islamist, National Reconciliation, Dialogic Democracy and Liminal Activists.

ABSTRACT

Tunisia in contrast with the other Arabic countries, why and how has a democratic transition (and relatively successful) after the revolutions of Arab Spring? To this short and simple answer, it couldn't make the fast and brief response and necessarily, via contributing to a contextual theoretical framework, the archive consists of Tunisian endeavors (elites and the ordinary people) must be explored to specify the achievement of Tunisia and its 2011 revolution had not been gained instantly and accidentally. Moreover behind it, being of cumulative lived/historical experiences would be existing. So, as a methodological remark, the historical/cultural context of Tunisia - as a tolerating and peaceful context - is analyzed in this article to be shown which public policy makings of pre-revolutionary governments had institutionalized the political/legal superstructures on this cultural base to keep the achievements of Tunisia revolution. Finally, as a result, establishing of vice-presidential administration is suggested to practice dialogue and negotiating compromise; in particular consideration should be given by its public policy-makers to the main outcome of this research - as a methodological axiom - in which just through the peaceful cultural context with a communal cooperative sense (like Tunisia), then economical rising and public welfare in Iran will be ascertained.

* Corresponding Author:

Mani Kalani, PhD.

Address: Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

E-mail: mani.kalani@gmail.com

مقاله پژوهشی تونس؛ همزیستی سکولاریسم و بنیادگرایی

* مانی کلانی^۱

۱. گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

چرا و چگونه تونس برخلاف دیگر کشورهای عربی، گذار دموکراتیک نسبتاً موفق پس از انقلاب‌های بهار عربی داشت؟ به این سؤال هرچند کوتاه و روشن نمی‌توان پاسخی سریع و مختصر داد. لازم است از خلال اتحاد چارچوب نظری زمینه‌گرا، آرشيو تلاش نخبگان و مردم عادی تونس -در طول تاریخ این سرزمین کهن- از نو کاوش شود تا مشخص شود که موفقیت تونس و انقلاب ۲۰۱۱، یک شبه و تصادفی حاصل نشده بود و پشت این موفقیت، انباشتی از تجربه زیسته و تاریخی تونس‌ها وجود داشت. پس به عنوان ملاحظه‌ای روش‌شناسانه، زمینه تاریخی / فرهنگی تساهل و طلح‌طلبی در کشور تونس، در این مقاله تحلیل شد تا از خلال آن، نشان داده شود کدام سیاست‌گذاری‌های عمومی در دولت‌های پیش از انقلاب، رویبایی حقوقی / سیاسی را روی این زمینه فرهنگی نهادینه کرده بودند که باعث شد تا دستوردهای انقلاب تونس همچنان باقی بمانند. در نهایت، به عنوان نتیجه‌گیری، تشکیل معاونتی در نهاد ریاست‌جمهوری برای گفت‌وگو و تمرین توافق کردن پیشنهاد می‌شود، به خصوص که سیاست‌گذاران عمومی این معاونت، هنگام سیاست‌گذاری‌های خود لازم است به یافته اصلی این پژوهش -و همچون اصلی روش‌شناختی- توجه کنند که تنها از خلال یک زمینه فرهنگی صلح‌آمیز و معتقد به همکاری جمعی (همچون کشور تونس)، شکوفایی اقتصادی و رفاه عمومی در ایران محقق خواهد شد.

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۲ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۱۰ مرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

زمینه، اسلام‌گرایی
میان‌رو، آشتی
ملی، دموکراسی
گفت‌وگومحور و
کنشگران مرزی

* نویسنده مسئول:

دکتر مانی کلانی

نشانی: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه انسان‌شناسی.

پست الکترونیکی: mani.kalani@gmail.com

مقدمه

تجربه تونس چرا مهم است؟

به موضوعی پرسش‌برانگیز تبدیل می‌کند، از خلال این سؤال می‌تواند صورت‌بندی شود: تونس چه شد که تونس شد و از دیگر کشورهای عربی / اسلامی تمایز چشمگیری یافت؟ یا تجربه تاریخی و زیسته مردمانش چه خصوصیات درون‌ماندگاری داشت که هم شروع‌کننده بهار عربی و هم نمونه نسبتاً موفق به سلامت گذر کردن از اغتشاش‌های این انقلاب‌های عربی شناخته شد؟

برای پاسخ به این سؤال، روشی چون شیوه‌ارزیابی و اعتبارسنجی پاسخ‌های داده‌شده به پرسش بالا، بر ملاحظات روش‌شناسانه مشتمل می‌شود که پاسخ داده‌شده به پرسش بالا (ن.ک. بخش فرضیه در صفحات بعدی) -متناسب با چهارچوب نظری این مقاله- تا چه حد متکی بر شواهد و ادله‌ای متناسب با این چارچوب هستند.

پس در گام بعدی، به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده توسط تحلیلگران سیاسی ایرانی درباره موضوع تونس اشاره‌ای مختصر می‌شود؛ پژوهش‌هایی که تونس را به عاملیت شخصیت‌های سیاسی این کشور تقلیل می‌دهند یا روندهایی جهانی مانند سکولاریزاسیون، غربی‌شدن و مدرنیزاسیون را بزرگ‌تر و فراگیرتر از هر متغیر دیگری، در ضمن تحلیل‌های سیاسی خود در باب تونس، منشأ اثر می‌دانند.

۲.۱. پیشینه پژوهش

از آنجا که تمرکز این مقاله، به پژوهش‌های تحلیلی انجام‌شده در ایران (ذیل دو جریان نظری) محدود می‌شود؛ بنابراین عطف به اتفاقات رخ داده در کشور تونس (و بعد از بهار عربی)، در بستر جریان اول، علیخانی (۱۳۹۰) و ببری، عباسی و مغنی (۱۳۹۳) و ابراهیم‌نیا (۱۳۹۲) -به سبکی که پیشترها عنایت پرچمدار آن بود (اندیشه سیاسی در اسلام معاصر،

طنز تلخ انقلاب‌های عربی، آن زمان نمود بارزی پیدا کرد که امید آغازشده در تونس به فاجعه سوریه ختم شد، ولی تونس چه خصوصیتی دارد که هم‌زمان با جغرافیای مدیترانه‌ای / اروپایی خود، از عربیتی استثنایی هم برخوردار است؟

به‌گونه‌ای که در طی مسیر فاجعه‌بار انقلاب‌های عربی (رو به سوی سوریه اشغالی و خاورمیانه‌ای تروریسم‌زده)، درس‌های بزرگی به مسلمانان عرب و غیرعرب منطقه داد. درس‌های استاد جوانی که پیران قوم از عربستان گرفته تا محدوده شام و عراق باستانی، درس‌های او را جدی نمی‌گیرند.

هرچند تونس تا آن حد کشور جوانی نیست که تاریخی صد یا دویست ساله داشته باشد، اما ادعایی مشابه عظمت‌طلبی فرعون‌وار بعثی‌ها و ناصریست‌ها تا تفوکراسی سعودی‌ها و خاندان‌سالاری اعراب حاشیه خلیج فارس را، نه مبارک می‌داند، نه این گونه عظمت‌طلبی‌ها در دستور کار حاکمانش نهادینه شده است.

بنابراین به مثابه تنها کشوری که از آزمون بهار عربی، سربلند بیرون آمد، اما همچون معمایی سر بسته، هنوز نزد افکار عمومی این‌گزاره درباره‌اش طرح می‌شود که چرا تونس توانست و ایران نتوانست؟!

۱. ادبیات موضوع

۱.۱. پرسش اصلی

بنابراین آنچه اتفاقات رخ داده در کشور تونس را

۱۳۶۱)- همچنان نقش جریان‌های سیاسی دارای اندیشمندانی مسلمان و برخوردار از فکر سیاسی را -در کشورهای مسلمان- برجسته می‌کنند.

آن‌ها با نگاهی بی‌طرفانه و البته بدون نیت سیاسی مشخص، در مورد تونس، بازیگری «راشد الغنوشی»^۱، ایده‌های فکری و جریان سیاسی حامی او، یعنی «جنبش النهضه»^۲ را پررنگ می‌کنند. این امر، به‌ویژه در فرایند انتقال قدرت و در تونس پس از انقلاب ۲۰۱۱؛ چنان پررنگ است که گویی جریان‌های سکولار مخالف الغنوشی و فرهنگ تونس در معنای سبک زندگی و خلق و خوی تونس‌ها، از عاملیت و تأثیرگذاری -و در تضاد با ایده‌های الغنوشی و حزبش- موضوعیتی ندارند.

در جریان دوم نیز که کچویان از چهره‌های شاخص آن به شمار می‌آید (تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، ۱۳۸۴)، جنگ گفتمانی میان گفتمان‌های رقیب اسلام‌گرا و تجددطلب است که بازی سیاست را از خارج خاک تونس هدایت می‌کند.

ابراهیمی و ستوده (۱۳۹۱)، تلاشان و نصردهزیری (۱۳۹۳)، رحمانی (۱۳۹۱)، فنادباشی (۱۳۹۳) و محرایی (۱۳۹۱) ذیل این گفتمان، تونس را در میانه جنگ نیابتی اسلام و لیبرالیسم به خصم سکولاریزاسیون، جنگ تمدن‌ها و روندهای جهانی نوسازی که همگی از خارج تونس بر این کشور آوار شده است، تقلیل می‌دهند و هیچ جنبش مردمی یا گروهی از طبقات اجتماعی در تونس آن را نمایندگی نمی‌کنند.

با ذکر این پیشینه، اما در این مقاله، چارچوب نظری /انسان‌شناختی سومی، برای پاسخ به پرسش

اصلی آن طرح می‌شود: اینکه چرا تونس به وصفی که رفت، کشوری استثنایی در شمال آفریقا و در میان کشورهای مسلمان عرب است؟

بنابراین ضمن چارچوب نظری زمینه‌گرا-بااستناد به دیدگاه‌های توفیق و بهشتی (چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران، ۱۳۹۸)- تونس در کلیت آن، فهم و تحلیل می‌شود: یعنی در کلیت تاریخ آن، سبک زندگی مردمانش در سده‌های گذشته تا به امروز، خلق و خوی سیاست‌مدارانش، شیوه تاب‌آوری مردمان تونس در برابر بحران‌های اقتصادی، مدل بازیگری و تعامل حکمرانان تونس با مردان یا زنان تحت امرشان از گذشته تا به امروز و هر آنچه در کلیت خود فرهنگ تونس را از فرهنگ مردمان لیبی، الجزایر، ایران و مصر متمایز می‌کند؛ پس به کمک این مؤلفه‌های سرزمینی - و همچون ملاحظات روش‌شناختی- است که صحت و سقم فرضیه این مقاله مورد سنجش قرار می‌گیرد که تا چه حد به این شواهد تاریخی استناد می‌کند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

۱.۲. چارچوب نظری

اما زمینه چیست؟ بهشتی در مورد این مفهوم به «مجموعه‌ای از پیشامدها و رخدادهای تاریخی فرصت‌سوز و فاجعه‌بار» در هر سرزمینی اشاره می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۸: ۲۹۳) که نمی‌توان در «صحنه آن اراده کرد و جلوی آنچه که [از خلال این رخدادها] پیش آمده را گرفت». (همان: ۲۹۰)

این زمینه یا «بستر است-که همچون نوعی آرشیو و صورت‌بندی گفتمانی- محدوده‌های تولید دانش معتبر درباره امر واقع را تعیین می‌کند». (فوکو، بی‌تا، به نقل از توفیق، ۱۳۹۸: ۳۸۰).

1. Rached Ghannouchi
2. Ennahda Movement

۲.۲. فرضیه پژوهش

۱.۲.۲. مقدمه؛ زمینه تاریخی شکل‌گیری هویت تونس

برای پاسخ به پرسش این مقاله که مردمان این کشور از خلال سبک زندگی تونس‌ی خودشان، چه تمایزهای هویتی و چه خُلقیاتی پیدا کردند، چه فهمی از جهان مذهبی خاص خودشان دارند و...، بر روایت تاریخی داستان تونس و بستری تاریخی از اتفاقات مختص این سرزمین که این قلمرو را از قلمروهای پیرامونی آن متفاوت ساخت، مرور می‌شود.

می‌دانیم که شیوه‌های مواجهه دیگر کشورهای عربی با غرب، عمدتاً به سه الگوی اصلی منتهی شده است. نخست: دیکتاتوری سوسیالیستی /عربی همراه با قساوت و کشتار خانواده اسد در سوریه یا نظامی‌گری مصری، عراقی (دوره حکومت حزب بعث)، لیبیایی و یمنی. دوم: سلفی‌گرایی، محافظه‌کاری مذهبی و تک‌خاندانی کشورهای بیشتر نفت‌خیز عرب و سوم: و متزلزل در کشورهایی مانند لبنان، الجزایر، اردن و این اواخر عراق و سودان.

اما در پاسخی تفصیلی به پرسش این مقاله، یعنی چیستی و کیستی متمایز تونس‌ی‌ها از دیگر همسایگان عربی خود، این فرضیه می‌تواند طرح شود که مردم تونس به طور عام و نخبگان این کشور به طور خاص، این ویژگی درخشان را داشتند. نه زمینه‌های تقویت اسلام‌گرایی جاهلانه و مرتجعانه را در ضمن حکومت‌داری‌شان مهیا کردند و نه مردمان تونس تحمیل مدرنیزاسیونی از بالا و آمرانه را بر جامعه خودشان تحمل می‌کنند.

به عبارت دیگر، حاکمان تونس گویی در ناخودآگاه

فهم توفیق از زمینه بدین معنا است که به پیشامدها و رخدادهای تاریخی فرصت‌سوز یا فرصت‌آفرین شکل‌گرفته در هر زمینه یا بستر -از جمله، بستر سرزمینی به نام تونس- پاسخ‌های موفق (یا همان دانش معتبر) و درطول تاریخ -توسط نخبگان تا مردم عادی آن سرزمین داده شده- که «همگی یا عمده آنها آرشیو و بایگانی شده است»^۳ و نخبگان تونس، نسل به نسل، از این نظام دانش آرشیوشده، در مواجهه با بحران‌های روزمره و معاصرشان بهره می‌برند.

پس از این چارچوب نظری، در این مقاله چنین آرشیوی از دل تاریخ کهن تا معاصر تونس، بیرون کشیده می‌شود و بازشناسایی این آرشیو است که نشان می‌دهد، چگونه تونس، تونس شد و معلوم می‌کند موفقیت تونس در پس از انقلاب ۲۰۱۱، یک‌شبه و تصادفی حاصل نشده است، بلکه داستانی تاریخی پشت این موفقیت وجود دارد که لازم است به آن توجه شود.

پس در پاسخ به سؤال اصلی مقاله، در پاسخی مقدماتی می‌توان گفت که زمینه‌ای تاریخی در تونس شکل گرفته بود. زمینه‌ای که برای نخبگان، حاکمان و عموم مردم تونس فرصتی فراهم کرد تا با چالش‌های بنیان‌کن مواجهه با مدرنیته اروپایی و استعمار فرانسوی، به نحوی نسبتاً خردمندانه مواجه شوند. ولی این خرد تونس‌ی، چگونه خردی بود؟ یا زمین بازی در جغرافیای سیاسی تونس، به آن‌ها امکان و فرصت چه نوع بازی متفاوتی می‌داد که تونس‌ی‌ها را از همگنان مصری، الجزایری یا دیگر اعراب مسلمان منطقه، متمایز می‌کرد و می‌کند؟

۳. نمونه ایرانی این چنین پاسخ‌هایی که آرشیو شده، شاهنامه فردوسی است.

این هماهنگ بودن باعث می‌شد تا همواره نقشی از قدرت دیگری بر زندگی آن‌ها زده شود، اما تونس‌ها -به زیرکی و خرد- اراده معطوف به قدرت دیگری‌ها از عثمانی‌ها تا فرانسویان و... را به شکلی تعدیل و تنظیم می‌کردند و می‌کنند که در همبستگی و کلیت این پهنه جغرافیایی، آشوب، اختلاف و تضاد میان نیروهای اجتماعی (در جانب‌داری و گرایش به این دیگری‌ها در قدرت) از حدی بیشتر نشود و مشکلات شکل گرفته ناشی از نواستعمار فرانسوی و کهنه‌استعمار عثمانی، «از طریق همکاری، تقسیم قدرت و مسئول بودن در قبال تعهدات‌شان نسبت به دیگر نیروهای سیاسی حل شود، نه از طریق انحصاری کردن قدرت» (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۹۶).

البته این سبک زندگی، همواره به ایده‌آل در تاریخ تونس ساری و جاری نبوده است، به‌خصوص که تونس نیز همچون سایر پهنه‌های جغرافیایی / تاریخی، به مثابه کشور کارتاژ (تصرف‌شده توسط امپراتوری روم)، امارتی اسلامی تابعه امپراتوری عثمانی، تحت‌الحمایه فرانسه یا دولت ملتی زیر بیرق دیکتاتوری «حبیب بورقیبه»^۴ و بن‌علی، صحنه کشمکش‌های خونین نژادی، فرقه‌ای، مذهبی و سیاسی بوده است.

اما در هر حال، جنگ‌های خونین و کشورگشایانه فرانسویان و ایتالیایی‌ها در این کشور، تا انقلاب ناسیونالیستی / عربی آن و فضای تک‌حزبی پس از آن، تا خودسوزی دردناک محمد بوعزیزی و... -به نسبت رویدادهای مشابه در سایر کشورهای عربی / اسلامی هم‌جوار- از شدت کمتری برخوردار بوده است.

به عبارت دیگر، نخبگان تونس، «بای»‌ها^۵

تاریخی خود، بر این رویه، حکومت‌داری‌شان را پیش‌برده و می‌برند که نسبت به اندیشه‌های سیاسی وارداتی از غرب مانند الگوهای توسعه از بالا، حسی از تحقیر، خشم و نفی مطلق نداشته باشند؛ واکنش‌هایی مشابه واکنش‌های منفعلانه و ایدئولوژیک سلفیون، بنیادگرایان و... .

نخبگان سیاسی، تحصیل‌کردگان و نیروهای اپوزیسیون خارج از حکومت (علی‌رغم اختلاف‌نظرهای ایشان با هم)، همچنین در مقیاسی بزرگ‌تر، کلیت نیروهای اجتماعی پیشرو و تا حد کمتری عامه مردم تونس، همیشه به گونه‌ای حکومت می‌کردند، معیشت و کسب‌وکارشان را پیش می‌بردند و فرهنگ تونس را از نسلی به نسل بعد انتقال می‌دادند که بتوانند حجم عظیم غربی‌سازی‌ها، اسلامی‌سازی‌های خشم‌آلود و واکنشی به این غربی‌سازی مدرنیزاسیون تحمیلی فرانسویان را تعدیل کرده و درنهایت، «همبستگی ملی همه‌جانبه»^۴ میان تمام گروه‌های رقیب را به سمتی پیش ببرند که با زندگی و فرهنگ تونس‌ها سازگار باشد.

منظور از فرهنگ تونس، گونه‌ای زندگی تونس‌ها -در بستر تاریخ کهن این کشور- تا انقلاب عربی بر ضد «زین‌العابدین بن‌علی»^۵ است که غایت آن به سامان رساندن نسبتی است که با قدرت‌های شرق و غرب روزگار خود داشته‌اند تا کاروبار تونس‌ها -در فضای ژئوپولیتیک محدودی که در آن سکنی داشتند- همواره به سامان باشد.

۴. آریف در این زمینه می‌نویسد: «گروه‌های اسلامی اعتدال‌گرا تلاش خواهند کرد زمینه‌های تأمین منافع ملی خود را با اصلاحات تدریجی و دمکراتیک فراهم کنند. هرچند باید دانست که ضامن دستیابی به چنین اهدافی در تونس تأمین و حفظ همبستگی ملی همه‌جانبه است.» (آریف، ۲۰۱۲ به نقل از ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۹۴)

۵. Zen El Abidine Ben Ali

6. Habib Ben Ali Bourguiba
7. Bey

دهند؛ منشی که همچون فرهنگ عمومی مردمان این کشور، درنهایت سرنوشت تونس را با انقلابی بسیار کوتاه و نه چندان خونین، به سمت صلح و همزیستی مسالمت آمیز مردمانش تغییر جهت داد.

همچنین فرضیه اصلی این مقاله بدین گونه بسط می یابد که نسخه لاییک و سخت گیرانه سکولاریسم در جمهوری ترکیه (پیش از زمامداری «رجب طیب اردوغان»^۹)، سوسیالیسم مدل «معمّر قذافی»^{۱۰} در لیبی، همچنین افراطی گری انقلابی صادر شده از کشورهایی همچون ایران، در کشور تونس دوام و قوام نیافتند، زیرا در مدل آرمانی سکولاریسم، فرض بر این است که «دین چنان در حل مسائل زندگی اجتماعی ناموفق و کامیاب است که باید به علت نابود کردن فردیت انسان ها و دخالت در زندگی خصوصی شان، حذف و به پستوی خانه ها رانده شود».^{۱۱}

ولی بالعکس، تاریخ اکنون تونس به گونه ای دیگر رقم خورده است: وقتی مردم عوام این کشور تا نخبگان سکولار و نظریه پردازان سیاسی مسلمان آن همچون الغنوشی، خودآگاه یا ناخودآگاه، انسان مدرن و مظاهر تمدنی اش را به قول الغنوشی از «کیفیت شورایی دموکراسی غرب» (الغنوشی، بعد از ۲۰۰۱ به نقل از: علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۲۵) تا «احترام نسبی این تمدن به عدالت، آزادی و حقوق انسان»^{۱۲}

(حاکمان ترک تبار منصوب امپراتوری عثمانی) یا دو رئیس جمهور اقتدار گرای جمهوری تونس از ۱۹۵۶ تا ۲۰۱۱، «گونه ای سیاست ورزی را پیشه می کردند که در ضمن آن، سیاست های چپ و راست متمایل به سوسیالیسم یا اقتصاد بازار آزاد، از حد خاصی بیشتر، رفاه عمومی جامعه تونس را به مخاطره نیفکنند».^۸

۲.۲.۲. فرضیه: تونس، سرزمینی که مستعد سکولاریسم و بنیادگرایی اسلامی نیست

با این مقدمه، می توان فرضیه اصلی این مقاله را در پاسخ به این پرسش که سیاست، فرهنگ و زندگی تونس چه تمایزی از دیگر کشورهای عربی دارد، این گونه صورت بندی کرد که: تمایز هویتی کلیت جامعه تونس، به علت زمینه تاریخی متعادل و غیرافراطی پیش گفته است؛ زمینه ای تاریخی که اجازه نمی دهد سکولاریسم و بنیادگرایی اسلامی در تاریخ معاصر تونس و انقلاب اخیر آن نقش مؤثر یا دست بالایی داشته باشند؛ طوری که در حد کالایی ایدئولوژیک و وارداتی، در زندگی تونس ها، عنصری اضافی محسوب می شود.

این بستر تاریخی متعادل باعث شده تا مردمان تونس با روحیه سهل گیرانه، صلح طلب و برخوردار از حس و حالی مدیترانه ای - یعنی پر از زندگی و شادی - خود را به سمت اجتناب از افراطی گری سوق

9. Recep Tayyip Erdogan

10. Muammar Gaddafi

۱۱. هر چند حقیقتی در این گزاره سکولار وجود دارد، اما این عالمان دین ایدئولوژیک شده هستند که ناتوان از کمک به انسان مدرن و رفع بحران های معنوی او - در معنا دادن به زندگی اش - آموزه های دینی را به ابزاری برای مهندسی اجتماعی و اعمال اراده خود تبدیل کرده و می کنند یا در قالب هایی اقتدارگرا همچون فقه حکومتی یا نوسلفی گرایی، بهانه را برای سیاستمداران سکولار فراهم کند تا کلیت دین را به حاشیه برانند.

۱۲. «الغنوشی تمدن غربی را به لحاظ احترام نسبی آن به عدالت، آزادی و حقوق انسان، قابل بقا می داند و عقیده دارد تا هنگامی که

۸. نمونه ای از این سیاست ورزی نرمش پذیر به زمان شورش نان در دسامبر ۱۹۸۳ تا ژانویه ۱۹۸۴ برمی گردد. در این میان هرچند بورقیه، «رئیس جمهور تونس بنا به الزام صندوق بین المللی پول، سوسپید نان را برداشت» (Prince, 2013 quoted in Wikipedia). (2020i) و متعاقب آن «جان ۱۵۰ نفر از معترضان به گران شدن نان را گرفت» (Guay, 2015 & Entelis, ۱۹۹۷ quoted in) (Wikipedia, 2020i) اما درنهایت، با لحاظ کردن حداقلی از رفاه برای مردم تونس، ضمن «مقصر دانستن نخست وزیر، محمد مزالی»، «دستور داد تا یارانه نان دوباره برقرار شود» (Gana, 2013 quoted in Wikipedia, 2020i).

آمارها مربوط به دوران اقتدارگرایی رژیم سیاسی بن‌علی است:

«مشغول به تحصیل بودن ۹۸ درصد مردان و ۹۶ درصد زنان سنین ۱۴ تا ۲۴ سال از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲»^{۱۳}

«۴۰ درصد کاربر اینترنت در سال ۲۰۱۲»^{۱۴}

«کشوری برخوردار از همکاری‌های تنگاتنگ میان صندوق کودکان سازمان ملل متحد، وزارتخانه‌های دولتی / قضایی آن و نهادهای مدنی‌اش به هدف ارتقای همه‌جانبه حقوق کودکان تونس»^{۱۵}

«رتبه ۱۷ جهانی در کیفیت نظام آموزشی عالی و رتبه ۲۱ در کیفیت نظام آموزش مدرسه‌ای»^{۱۶}

«استفاده ۷۸ درصد جمعیت کشور از آب تصفیه‌شده قابل شرب»

«استفاده ۹۳ درصد جمعیت کشور از شبکه فاضلاب»^{۱۷} و موارد دیگر که در بخش ۳-۲- مقاله به آن‌ها اشاره خواهد شد.

پس اصولاً زمینه فرهنگی برای تمایل توده‌ها، طبقات و گروه‌های اجتماعی به این دو جهت‌گیری سیاسی سکولاریسم یا بنیادگرایی که هر دو به شدت خانمان‌برانداز هستند، در این کشور فراهم نیست و حتی اگر در مواردی استثنایی زمینه آن فراهم باشد، آن تصویری که ایدئولوگ‌ها از آرمان خود دارند یا در این کشور در پیش‌اش هستند تا آن را به اجبار، القا و خشونت، تحمیل کنند، در واقعیت زندگی تونس

به تمامیت آن - نفی نکردند و البته بحران‌های اخلاقی برخاسته از مدرنیزاسیون از بالا (مانند رقابت ناعادلانه و تبعیض در دسترسی به منابع محدود مالی و سرمایه‌ای را)، با توجه به نقش عاطفی و دیگرخواهانه دین در کاهش آن‌ها، از نو مورد توجه قرار دادند.

در این ترکیب بدیع تونس، مصادیق سنت و مدرنیته، نه متخاصم با یکدیگر، بلکه به یکدیگر تبدیل می‌شوند: سنت نوشیدنی برای حل بحران‌های برخاسته از مدرنیسم همچون فردگرایی یا جمع‌گرایی افراطی اقتصاد بازار، مداوم است.

مدرنیته نیز بستری برای فردی شدن، به رسمیت شناخته شدن حوزه خصوصی انسان‌ها و به تبع آن جلوگیری از خشونت‌هایی که در دین‌داری معطوف به قدرت، به صورت بالقوه نهفته است (در اشکال اسلام سیاسی و دین‌داری امثال سلفیون و ولایی‌ها) است.

پس تلفیق امر نو و کهنه شرقی / غربی (سنتی / مدرن) در تونس معاصر بیان دیگری از فرضیه این مقاله است، آنجا که از خلال تلفیق امر نو و کهنه، در بستر تاریخی این کشور، اسلام‌گرایی مطلق و سکولاریسم مطلق، توأمان نفی می‌شوند.

میوه این تعادل و نفی افراطی‌گری، به‌خصوص در ۱۳۰ سال اخیر به ثمر نشسته است و باعث شده تونس در شاخص‌های کمی زیر، برجسته یا متمایل به صدر جدول، نزدیک به کشورهای توسعه‌یافته قرار بگیرد (این ملاحظه در نظر گرفته شود که عمده

احترام این تمدن به عناصر فوق، زنده و موجود باشد، این تمدن سقوط نخواهد کرد و از هم نخواهد پاشید. از نظر او نظام و تمدن فقط بر اساس عدل می‌تواند استوار و پایدار بماند. نظام عادل اگر چه غیردینی هم باشد، دارای قابلیت بقا است، درحالی‌که نظام دینی اگر عادل نباشد، باقی نمی‌ماند.» (الغنوشی به نقل از علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۷۱)

۱۳. یونسف، ۲۰۱۳ به نقل از ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۸۰

۱۴. ITU و ATU به نقل از ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۸۰
15. UNICEF. Tunisia Annual Report 2017, 2017: 1.

16. The World Economic Forum. The Global Competitiveness Report 2008-9, 2008 quoted in Wikipedia, 2020ii.

17. UNICEF. Unicef Data: Country Profiles, 2020

محقق نمی‌شود.

۳. یافته‌های پژوهش

در این بخش از مقاله نشان داده می‌شود که منطبق بر فرضیه مقاله یعنی: فرهنگ تونسی مبتنی بر مدارا و اتحاد اسلام‌گرا - سکولار (در عین اختلاف سلیقه با یکدیگر)، پس روبنای انقلاب تونس، روی زیربنایی از سال‌ها تحمل و مدارای سلیق مخالف سیاسی / اجتماعی قرار گرفته است. شواهدی برای وجود این زیربنا در ادامه ارائه می‌شود:

به بیان دیگر، سطحی از انعطاف‌پذیری مردم و سیاستمداران تونس، با دعوت عمومی به تقبیح توأمان خشونت مذهبی و افراط سکولاریستی، اول در لایه بیشتر خودآگاه فرهنگ عمومی تونس و دوم در ضمن لایه بیشتر ناخودآگاهانه فرهنگ مردم تونس (یا همان روح جمعی تونسی و ماندگاری‌اش بر همکاری مسالمت‌آمیز)، عملاً تا زمان حاضر امنیت و آبادانی این کشور را تضمین کرده است. تضمین در برابر خطرات ویرانگری که مردم این کشور را می‌توانست به برادرکشی علیه یکدیگر سوق دهد.

در این میان نکته مهم، نقش برجسته نخبگان این کشور در سیاست‌گذاری عمومی و ایجاد حداقلی از همگرایی جمعی در میان گروه‌ها و طبقات اجتماعی سکولار و مذهبی است.

نخبگان تونسی، چه بیشتر آن بخشی که مصلحان اجتماعی و احیای دینی هستند و اپوزیسیون سیاسی تونس را در دوران پیش از انقلاب ۲۰۱۱ تشکیل می‌دادند و چه کمتر آن گروهی که در رأس قدرت سکولار جمهوری تونس - بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۱۱ - به استبداد بر کشور حکومت می‌کردند، ولی در این ویژگی با هم مشترک هستند که حداقلی از شأن و مقام انسانی را برای مردمان کشورشان قائل هستند.

بنابراین نمی‌توان انکار کرد که حفظ چنین سطح بالایی از شاخص‌های کمی دوران بن علی و در فضای پراشوب بعد از انقلاب بهار عربی تونس، بدون حکمرانی متعادل، گاندی‌وار و دگرخواهانه سیاستمدارانی خردمند همچون الغنوشی، پدر معنوی جنبش اسلام‌گرای النهضه تونس و ریاست مجلس نمایندگان خلق تونس از پاییز ۱۳۹۸ بدین سو ممکن نیست.

دیدگاه‌های زیر - متعلق به او و همفکرانش - که پیامد عملی‌اش، محیط کم‌تنش سیاست‌ورزی در تونس، فارغ از دیدگاه‌های افراطی اسلام‌گرا / سکولار است:

«او ریشه مناقشات و تنش‌ها را در جهان اسلام، از ضدیت و مخالفت مسلمانان با دستاوردهای غربی نمی‌داند. به نظر او اشتباه است که بگوییم تضادها و منازعات موجود در جهان اسلام، کشمکش میان نوگرایی و بنیادگرایی یا میان دموکراسی و بنیادگرایی یا میان سکولاریسم و اسلام‌گرایی است.

در جهان اسلام هیچ سکولاریسم و نوگرایی‌ای به معنای غربی آن وجود ندارد تا بنیادگرایی و اسلام‌گرایی به مقابله با آن برخاسته باشد. نوگرایی و سکولاریسم در غرب، باعث آزادی فکر و اندیشه و احترام به حقوق انسان شد و صلاحیت هر دو را تضمین کرد، ولی در جهان اسلام و کشورهای جهان سوم درست عکس آن، تحت نام نوگرایی و سکولاریسم اتفاق می‌افتد و همه در خیانت‌ها و سرکوب‌ها تجلی دارد»^{۱۸}.

۱۸. الغنوشی، ۱۹۹۲ به نقل از علی‌خانی، ۱۳۹۰: ۴۷۴

تونس، یعنی بورقیبه و بن‌علی بود.

با این اوصاف مدرنیزاسیون از بالا، سرکوب مخالفان سیاسی از اسلام‌گراها تا لیبرال‌ها و در کنار آن سیاست‌گذاری‌های غیرمشارکتی و دستوری دولت، تونس را به آستانه کودتای نظامی یا فروپاشی نرساند.

در ضمن، در طول این سال‌های اقتدارگرایی، حدی از دلسوزی و تلاش برای «بهبود وضعیت اقتصادی در دستور کار تکنوکرات‌هایی قرار داشت که در کنار دستورات آمرانه حاکم، سیاست‌هایی واقعی و مؤثر را - برای بهتر شدن کیفیت زندگی مردم - دنبال می‌کردند».^{۲۲}

البته شاید در نگاهی پیش‌داورانه، نیمه خالی لیوان، یعنی نرخ بالای بیکاری، تورم و آمریت سرکوبگرانه بیشتر به چشم بیاید، اما با نگاهی به نیمه پر لیوان، دستگاه تکنوکراتیک تونس - که بخشی از قدرتش را در فضای پس از انقلاب ۲۰۱۱ حفظ کرده - به اهدافی رسید که «این کشور را در گزارش ۸-۲۰۰۷ به سازمان اقتصاد جهانی، در رتبه ۳۲ و از نظر شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد قرارداد»^{۲۳} (Porter, Sala-i-Martin & Schwab, 2007: 10)

بحرانی میان دین و سیاست شد. با این حال، این تشنج به جدایی کامل این دو از هم نیتانجامید، زیرا دولت می‌کوشید بر شاعر و آداب و رسوم دینی نظارت و اشراف داشته باشد و از اندیشمندان سنتی برای توجیه ایدئولوژی ملی‌گرایی سود جوید. به عبارت دیگر، دولت درصد بود در فضای فرهنگی سنتی تونس جایی برای ایدئولوژی ملی‌گرایی فراهم کند» (ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۲: ۲۸۳)

۲۲. «به عنوان نمونه می‌توان به تلاش‌های محمد مزالی، نخست‌وزیر بورقیبه و پس از سرکوب شورش نان اشاره کرد که با سفر به تمام استان‌های کشور، همراه با معذرت‌خواهی ضمنی، رسیدگی به حال و احوال مردم و کم شدن بیکاری آنان را وعده داد.»

(Entelis, 1997 quoted in Wikipedia, 2020i)

23. The World Economic Forum. The Global Competitiveness Report 2007-8, 2007: 10.

همچنین تکنوکرات‌های دستگاه دولتی بورقیبه و بن‌علی، طوری سیاست‌گذاری می‌کردند که علی‌رغم فساد موجود در هیئت حاکمه تونس (به‌خصوص در دوران زمامداری بن‌علی)، شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و فرهنگی را در کشورشان ارتقا دهند.

شاخص‌هایی همچون «رشد آگاهی دموکراتیک طبقه متوسط و افزایش تحصیل‌کردگان دانشگاهی» که در نهایت به انقلاب ۲۰۱۱ تونس منجر شد؛ شاخص‌هایی که از نگاه «احمد داووداگلو»^{۱۹} نخست‌وزیر پیشین ترکیه، بستری است که «مسیری آرام و سریع را برای گذار دموکراتیک» تونس تضمین می‌کند. (داووداگلو، ۲۰۱۱ به نقل از: ببری، نیکنام و مغنی، ۱۳۹۳: ۱۳) مسیری آرام و سریع که باعث شد تا الغنوشی، نه الگوی بیداری اسلامی، «بلکه مدل حکمرانی «حزب عدالت و توسعه» را معیار عمل سیاسی النهضه بداند»^{۲۰} (همان: ۱۳، ۱۴ و ۲۱).

با این مقدمه، شواهدی که فرضیه این پژوهش را تأیید می‌کنند، ارائه می‌شود:

۱- ثبات سیاسی و بهبود تدریجی، اما کند زیرساخت‌های توسعه انسانی: سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۱۱ مشابه سال‌های پس از استقلال در بسیاری کشورهای عربی، دوره مداومی از کیش شخصیت و «خودکامگی مبتنی بر لائسیسته»^{۲۱} دو رئیس‌جمهور

19. Ahmet Davutoglu

20. Justice and Development Party

۲۱. سنت حفظ حریم‌های دینی، در کشورهای مشرق زمین به طور عام و در کشورهای خاورمیانه عربی به طور خاص، از ریشه‌های کهن برخوردار است و همچون ترکیه، سیاست‌های لائسیسته در تونس - تا پیش از انقلاب ۲۰۱۱ - هیچ‌گاه صورتی ضددین به خود نگرفت. ابراهیم‌نیا در این زمینه می‌نویسد: «... گفت‌وگوهای سیاسی دولت پس از استقلال و پروژه لائسیسته‌سازی که ایجاد حکومت و جامعه‌ای جدایی‌ناپذیر دینی را ترویج می‌کرد، سبب برقراری رابطه‌های متشنج و

بیکاری و تورم مواد غذایی رو به فزونی داشت.

در این شرایط بحرانی، تجربه عمومی دولت‌های آفریقایی / عربی، کودتا یا شورش و فروپاشی مداوم حکومت‌ها است، ولی نخبگان تونس در این میان فرایند درخشانی از گفت‌وگوی آشتی ملی را، علی‌رغم اختلاف‌نظرهای عقیدتی‌شان به پیش بردند. مثال‌هایی که در ادامه می‌آید، ناظر به مواردی هستند که فرضیه این مقاله را تأیید می‌کند. این شواهد در سه بند به شرح زیر هستند:

۱.۳. فرایند آشتی ملی میان اسلام‌گرایان و احزاب سکولار

«پس از ترور «شکری بلعید»^{۲۵} و «محمد براهمی»^{۲۶} دو سیاستمدار چپ‌گرای تونس توسط سلفی‌های تندرو، طیفی از نیروهای سکولار چپ و راست، به همراه طبقه متوسط حامی آن‌ها خواستار استعفای دولت و در پی آن اعتصاب عمومی شدند.

در حالی که اعضای مجلس مؤسسان در فرصت یک‌ساله تدوین قانون اساسی از تدوین و نهایی کردن آن بازمانده بودند و چشم‌انداز روشنی برای تصویب آن وجود نداشت، در قدم اول و پس از ترور بلعید در فوریه ۲۰۱۳، حامد الجبالی، نخست‌وزیر وابسته به حزب النهضه، برخلاف خواسته الغنوشی، با استعفای خود، ضمن پذیرش ضمنی غفلت دستگاه امنیتی زیرمجموعه دولت، خواستار تشکیل دولت وحدت ملی با حضور تکنوکرات‌ها شد تا دیوار بی‌اعتمادی میان قطب‌بندی‌های اسلامی / سکولار بازسازی شود.

الجبالی در تشکیل دولت ائتلافی موفق نشد و

همچنین پس از سال‌ها رشد اقتصادی غیرمنظم و متغیر در دوران ریاست‌جمهوری بورقیبه، در دوران زمامداری بن‌علی، رشد ثابت اقتصادی متوسط ۵ درصد برای بیست سال پیاپی از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تکرار شد.^{۲۴} (International Monetary Fund, 2018).

در مجموع صنعت توریسم ارتقا پیدا کرد و با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، ارتقای بهره‌وری نظام دولتی، خصوصی‌سازی، افزایش تحصیل‌کردگان دانشگاهی و معافیت گمرکی متقابل با اتحادیه اروپا، تکنوکرات‌های تونس توانستند حداقل اعتماد را در میان اکثریت مردم تونس حفظ کنند (هرچند که زمینه فساد سیستماتیک دوران بن‌علی و بیکاری بالا در میان جوانان، همچنان این اعتماد و شکاف میان دولت ملت را شکننده و آسیب‌پذیر نگه داشته است).

۲- صلح و تفاهم ملی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵: آنچه مزیت و برجستگی زندگی تونس را دوچندان می‌کند، صرفاً مشروط به تقویت زیرساخت‌های اقتصادی دوران بورقیبه و بن‌علی نبود. به عبارت دیگر، هرچند در پی ثبات نسبی اقتصادی بیست سال گذشته تونس (پیش از انقلاب ۲۰۱۱)، زندگی مدنی مبتنی بر تساهل و گفت‌وگو، در میان طبقه متوسط تونس تقویت شد، اما شکوفایی فرهنگی و برجستگی فرهنگ عمومی تونس‌ها، به طور عام و نخبگان تونس به طور خاص، مشروط به شرایط اقتصادی مناسب یا رشد بالای اقتصادی نبود.

شاهد مثال نیز برهه‌هایی از زمان است که از قضا پس از انقلاب ۲۰۱۱، شاخص‌های اقتصادی در شرایط نزولی یا ضعیفی قرار داشتند، نرخ بیکاری ثابت مانده و به تبع آن عصبیت و خشم مردم از فقر،

25. Chokri Belaid

26. Mohammad Brahmī

24. International Monetary Fund. World Economic Outlook Databases, 2018 quoted in Wikipedia, 2020iv.

ماهه درخشان بود.

الغنوشی که خود اسلام‌گرایی میانه‌رو است، دولت را به «مهدی جمعه»^{۳۵} تکنوکرات مستقل و بدون وابستگی به احزاب راست و چپ تحویل داد و منش سیاست‌ورزی اخلاقی و ارزش‌مدار را با تصویری فرصت‌طلبانه و معطوف به قدرت که از اسلام‌گرایی وجود دارد، جایگزین کرد. نیروهای سیاسی لیبرال و چپ نیز، دیگری اسلام‌گرا را به مثابه یک دیگری صاحب حق حیات سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناختند.^{۳۶}

۲.۳. رئیس‌جمهوری برای جمهور مردم

منصف مرزوقی، رئیس‌جمهور موقت تونس در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ نیز نمونه‌ای از رئیس‌جمهوری معتدل است که منافع ملی را بر منافع حزبی ترجیح می‌داد. او در قامت شخصیتی فرهنگی، از عرصه ارزش‌های انسانی وارد دنیای سیاست شد تا میل ناخودآگاه زندگی تونسی به انصاف و تفاهم را در دنیای سیاست پرتنش، از صرف تمنایی برای تفاهم و همدلی به ساختارهایی نهادینه و استوار در جهت تحقق تفاهم ملی تبدیل کند.

«او در طی سفرهایش به هند و آفریقای جنوبی -با درس گرفتن از مبارزات «مهاتما گاندی»^{۳۷} و «نلسون ماندلا»^{۳۸}- تأکید بر مبارزه غیرخشونت‌آمیز را در دستور کار خود قرار داد و به عنوان فعال حقوق بشر همین رویه را در دفاع از اسلام‌گرایان دربند رژیم بن‌علی در پیش گرفت تا سرانجام در سال ۲۰۰۲ تحت فشار نیروهای امنیتی، فعالیت‌هایش را به خارج از کشور منتقل کرد.»^{۳۹}

از النهضه خارج شد، اما با دومین ترور در تابستان ۲۰۱۳ بن‌بست سیاسی با استعفای ۴۲ نفر از اعضای مجلس مؤسسان و تعطیلی آن تشدید شد. در چنین شرایطی، خلأ قدرت وقتی کشور را به آستانه جنگ داخلی برد که دولت موقت تحت ائتلاف حزب النهضه به نخست‌وزیری «علی العریض»^{۴۰} و رئیس‌جمهور مؤتلف با او «منصف مرزوقی»^{۴۱} حاضر به استعفا نشدند.^{۴۲}

«اما در اقدامی غریب در دنیای سیاست، نهادهای پر قدرت جامعه مدنی، احزاب سیاسی را به گفت‌وگو و آشتی ملی دعوت کردند؛ گفت‌وگوهایی که جایزه نوبل صلح سال ۲۰۱۵ را برای «گروه چهارگانه نهادهای مدنی تونس»^{۴۳} به ارمغان آورد.

پیشقدم این گفت‌وگوها رهبران «اتحادیه کارگری تونس»^{۴۴} بودند که در تابستان ۲۰۱۳، با همراهی چهره‌های پیشروی سه «اتحادیه صنعت، تجارت و صنایع دستی»^{۴۵}، «اتحادیه حقوق دانان»^{۴۶} و «مجمع حقوق بشر تونس»^{۴۷}، نقشه راهی به تمام احزاب ارائه دادند و پیش‌شرط حضور آن‌ها در گفت‌وگوها را به پذیرش: ۱. استعفای دولت و جایگزینی آن با دولت تکنوکرات‌های مستقل، ۲. تأکید بر هویت ملی در قانون اساسی، ۳. تعیین زمان‌بندی قطعی برای انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و ۴. اتمام، تصویب و تقدیم قانون اساسی به مجلس ملی مؤسسان تونس» (Murray & Stigant, 2017: 290).

27. Ali Laarayedh

28. Moncef Marzouki

29. Wikipedia, 2020iii

30. Tunisian National Dialogue Quartet

31. Tunisian General Labour Union

32. Tunisian Confederation of Industry, Trade and Handicrafts

33. Tunisian Order of Lawyers

34. Tunisian Human Rights League

35. Mehdi Jomaa

36. Wikipedia, 2020v

37. Mahatma Gandhi

38. Nelson Mandela

39. Wikipedia, 2020vi

برای حضور زنان در عرصه های فرهنگی و اجتماعی مهیا کرد»^{۴۳}

همچنین «زنانی مانند «سهام بن سدرین»^{۴۴}، به عنوان کنش گر ارشد «کمسیون حقیقت و کرامت»^{۴۵}، نه تنها پس از انقلاب ۲۰۱۱، بلکه در نقد عملکرد حکومت برخاسته از انقلاب نیز برای زنده نگه داشتن صدای قربانیان شکنجه و آزار سیاسی در دوران حکمرانی بورقیه و بن علی، نقش مؤثری دارند»^{۴۶}

او به همراه «همکارانش در مجمع دفاع از حقوق بشر تونس»^{۴۷}، «برای حفظ حقوق اسلام گرایانی همچون اعضای جنبش النهضه که در دوران رژیم بن علی به زندان افتاده بودند»، مبارزه کرد، (Gal, 2015) نشان می دهد که زنان سکولار تونس، تحقق آزادی و عدالت را فراتر از تعلقات ایدئولوژیک به این یا آن حزب سیاسی، در عرصه نظام قضایی پیگیری می کنند.

در این میان کنش گران جنبش النهضه نیز با منس جبرانی و متعهدانه خود نسبت به گروه های سیاسی رقیب شان که این حقوق دانان زن غیراسلام گرا برای آزادی هم آنان و هم سکولارها از زندان های رژیم بن علی مبارزه می کردند، «حجاب را به مثابه امری شخصی»، «حق آزادی در انتخاب پوشش» را به مثابه بخشی از رویکردهای کلان حزبی و سرانجام «قوانین بورقیه در مورد زنان را به مثابه میراثی اجتماعی» به رسمیت شناختند (Lister, 2011) تا بار دیگر نشان دهند زندگی تونس مبنایی ریشه دار

مرزوقی نیز در میانه اسلام گرایی و سکولاریسم حرکت می کند: اینکه هم طرفدار انقلاب های رنگی غیرخوشنوت آمیز و هم در عین حال به عنوان متحد جنبش النهضه، رقیب اسپسی سکولار در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ باشد یا مثلاً زمانی که او -هرچند متحد اسلام گرایان میانه رو بود- ولی از طرف دیگر «هنگام اعتراض اسلام گرایان افراطی به فیلم انتقادی «پرسپولیس» (۲۰۰۰) ساخته شده توسط «مرجانه ساتراپی»^{۴۰}، جریمه شدن عوامل پخش فیلم، یعنی «شبکه تلویزیونی نسمة»^{۴۱} را باعث مخدوش شدن اعتبار تونس دانست»^{۴۲}

بنابراین حضور این منش اخلاقی در فضای سیاست ورزی تونس ها، بر این واقعیت دلالت می کند که اولویت های فرهنگی در برخی موقعیت های بحرانی و آنگاه که نقض حقوق اساسی بشر به پیش کشیده می شود (از بازداشت اسلام گرایان تا جریمه عوامل پخش فیلم پرسپولیس فرقی نمی کند) -بدون هیچ استاندارد دوگانه ای- بر منفعتهای سیاسی ترجیح دارد حتی تا جایی که مرزوقی را در تضاد احتمالی با هم پیمانان سیاسی اش در حزب النهضه قرار دهد.

۳.۳. زنان سکولار دست در دست اسلام گرایان میانرو

«اصلاحات بورقیه در زمینه دادن حق طلاق به زنان، افزایش سن ازدواج به هفده سال، منع چندهمسری مردان، حق سقط جنین و حق رضایت متقابل زوجین از همدیگر (به عنوان پیش شرط ازدواج) (Ben Salem, 2010: 488) شرایط را

43. Wikipedia, 2020vii

44. Sihem Bensedrine

45. Truth and Dignity Comission

46. Wikipedia, 2020viii

47. ICORN; International Cities of Refuge Network, n.d quoted in Wikipedia, 2020viii

40. Marjane Satrapi

41. Nessma TV

42. Wikipedia, 2020vi

مبتنی بر مدارا، احترام متقابل و حضوری همه‌جانبه در ناخودآگاه نخبگان تونسسی دارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه تا به حال در مورد کنش سیاسی الغنوشی و همکاریانش توضیح داده شد، نشان می‌دهد که او به گفت‌وگوی ملی و والا بودن روش‌های دموکراتیک تأکید دارد و علی‌رغم «حمایت صریحش از اصلاحات [محافظه‌کارانه] سیدمحمد خاتمی» (الغنوشی، بعد از ۲۰۰۱ به نقل از: علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۷۱)، تمام قوانین پیش و پس از انقلاب تونس که ماهیتی سکولار دارد را به رسمیت شناخته است.

پس مبنای گفت‌وگوهای آشتی ملی سال ۲۰۱۳ تونس، نه یک تصمیم تاکتیکی حزب النهضه برای فرار از بحران، بلکه در این عمق استراتژیک ریشه دارد که «دموکراسی گفت‌وگومحور»^{۴۸} بستر لازم برای «رأی مردم و نمایندگان مردم» است که «حکم خداوند هم در رأی آن‌ها تجلی می‌کند»: (الغنوشی، ۱۹۹۲ به نقل از: علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۲۶).

«الغنوشی دموکراسی را از چارچوب تعریف زیانزد و مشهور آن: «مردم‌سالاری» و «هرچه بخواهی، بکن» بیرون آورده و آن را یک پروژه آموزشی، سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند. بر این اساس، دموکراسی به معنای انتخاب مخالفت با یک جناح نیست، بلکه تربیت و آموزش یک جناح است تا بتواند با دیگران وارد تفاهم و گفت‌وگو شده و با آنان همزیستی داشته باشد.

دموکراسی مانند شورا، تنها وسیله‌ای برای ابراز خواسته اکثریت نیست، بلکه یک برنامه تربیتی و روند آموزشی سیاسی است که برای درمان

بیماری‌های سیاسی مانند رادیکالیسم، جمود و انحصارطلبی، در خلال گفت‌وگو و دیالوگ، راهکار ایجاد می‌کند. «دموکراسی از رنگ قلم به جای خون و از برگه آرا به جای گلوله استفاده می‌کند»، (الغنوشی، ۱۹۹۲ به نقل از: علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۳۶) «حقیقت دموکراسی، مجموعه‌ای از مبادی و قواعد است که آزادی فکر و اندیشه و آزادی گردهمایی و مسابقه صلح‌آمیز برای رسیدن به قدرت از طریق صندوق‌های رأی را تضمین می‌کند» (الغنوشی، ۱۹۹۹ به نقل از: علیخانی، ۱۳۹۰: ۴۳۶).

در ضمن، او از انقلاب اسلامی، مشروط به اینکه ولی‌فقیه «نتیجه [غور و بررسی] شورا» را به مثابه حکم امت و تجلی «عصمت پیامبر» بداند و الزامی بودن آن را بپذیرد، حمایت می‌کند. وقتی معتقد است که:

«در مقابل اهل سنت، شیعه نیز نتوانست شورا را نهادینه سازد، بلکه برای گریز از واقعیت‌ها و درمان دردها، شعار ولایت را سر داد و حق امت در شورا را سلب کرد و بالاخره همه امور را به امام غایب سپرد یا به کسی که به نام او حکومت می‌کند و خیال می‌کند که به نوعی با امام غایب رابطه دارد و مشروعیتش یا شبه عصمتش را از او کسب می‌کند، نه از مردم که به سبب شریعت و شورا، کمترین اشتباه را مرتکب می‌شوند.

البته شیعه درست همانند همتای سنی‌اش، فکر می‌کرد که رئیس دولت یا رئیس حزب، فقط ملزم به مشورت کردن است نه به نتیجه آن، یعنی خودش را در یک کفه ترازو قرار می‌داد و امت و همه مردم را در کفه دیگر و کفه خودش را نیز ترجیح می‌داد.» (الغنوشی، ۲۰۰۰ به نقل از: علیخانی، ۱۳۹۰: ۶-۴۲۵).

48. Dialogic Democracy

حکایت دارد و شامل موارد زیر است:

۱. «وزارتخانه حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها و گفت‌وگوی اجتماعی»^{۴۹} در جمهوری صربستان بحران‌زده پس از جنگ‌های داخلی (پیش از آن تحت عنوان وزارتخانه سیاست‌گذاری عمومی و خودگردانی محلی) با وزیری خانم.

۲. معاونت ریاست‌جمهوری تونس به صورت ویژه پاسخگویی در امور حقوق بشر و تنظیم روابط دولت با جامعه مدنی که سیاست‌مداری مستقل و بدون تعلقات حزبی به نام «العیاشی الهمامی»^{۵۰} اکنون این معاونت را بر عهده دارد؛ از اعضای مجمع حقوق بشر تونس و درگیر در گفت‌وگوهای ملی ۲۰۱۳ تونس.

۳. «وزارتخانه همبستگی و ادغام اجتماعی»^{۵۱} در جمهوری تیمور شرقی آسیب‌دیده از جنگ‌های داخلی، با وزیری خانم.

پس در ضمن این اختیارات ویژه، به تأکید قوانین مصوب ناظر بر این معاونت، لازم است تا تصدی این معاونت بر عهده شخصیتی خارج از جناح‌بندی‌های سیاسی اصولگرا / اصلاح‌طلب یا اسلام‌گرا / سکولار باشد؛ شخصیتی با سابقه کار کنش‌گری مدنی، تسهیل‌گری اجتماعی و فعالیت‌های میدانی طولانی و گسترده؛ شخصیت یا شخصیت‌هایی که فراستخواه از آنها تحت نام «کنشگران مرزی» یاد می‌کند (فراستخواه، ۱۳۹۶) و محسن رنانی در پی اعتراضات دی‌ماه ۹۶ -ذیل یادداشتی به نام «اِیثارگران سیاسی» همگان را دعوت کرد تا در میانه مردم طغیان‌زده و خشمگین و حکومت مقتدر، اما نگران به «باز یگران میانی» امید و جسارت دهند.

اما برابر نهاد شورا در عصر و زمانه حاضر چیست؟ از منظر سیاست‌گذاری عمومی، بنا به تجربه درخشان نهادهای مدنی تونس در تابستان ۲۰۱۳ و به هدف آشتی و گفت‌وگوی ملی، آنچه از تجربه تونس و در بزنگاه‌های آینده ایران معاصر، به کار ایرانیان برمی‌آید، فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای شکل گرفتن چنین گفت‌وگوهایی است.

به‌خصوص که امروزه جامعه مدنی و تشکلهایی که در ایران این جامعه را نمایندگی می‌کنند، بنا به دلایلی بی‌شمار (مانند بی‌انگیزگی در انجام فعالیت‌های مدنی و ناشی از فقیر شدن تدریجی طبقه متوسط، نبود فرهنگ کار داوطلبانه و...) از قدرت انسجام‌دهی و بسیج مردمی برخوردار نیستند تا به طرح مطالبات عمومی مانند گفت‌وگوی ملی - و همچون کشور تونس - بپردازند.

بنابراین از منظر سیاست‌ورزی معطوف به حکمرانی خوب، آنچه می‌توان در انتهای این مقاله پیشنهاد کرد، عبارت‌اند از: تصویب و مدون کردن قوانین لازم برای تأسیس معاونتی ویژه در نهاد ریاست‌جمهوری، معاونت ریاست‌جمهوری در حوزه گفت‌وگوی ملی با استانداردها و قواعد متفاوت و ویژه از سایر معاونت‌های ریاست‌جمهوری یا وزارتخانه‌های دولتی.

در این تحقیق، انواع پروژه‌های گفت‌وگوی ملی، نهادهای مسئول آن و در زیرمجموعه نهادهای اجرایی / سیاست‌گذاری عمومی کشورهای مختلف - به خاطر اطاله کلام - طرح نشده‌اند که خود پژوهشی جداگانه را می‌طلبد.

معاونت یا وزارتخانه‌ای که تجربه جدیدی در کشورهای پرتنش و بحران‌زا دارد و شایسته تأمل بیشتر است، از ضرورت تأسیس این نهاد دولتی

49. Ministry of Human and Minority Rights and Social Dialogue

50. Ayachi Hammami

51. Ministry of Social Solidarity and Inclusion

جاری کشور، در برنامه عملش قرار گیرد (مناقشاتی مانند بحران آب، بحران‌های کارگری، آلودگی هوا، نقض حقوق معنوی، تضییع حقوق زنان و کودکان و...).

همچنین شأن فرادستی این معاونت ویژه ریاست‌جمهوری اقتضا می‌کند تا تمام بازیگران سکولار و بنیادگرای جامعه را -از خلال تقویت نهادهایی مدنی مشابه نهادهای چهارگانه تونس- به ایجاد مصالحه دعوت کند. مصالحه میان صداها، متکثر جامعه: میان روستایی و شهری، زن و مرد، مادر و کودک یا میان کارگران و کارفرمایان و... تا ریل‌گذاری‌هایی برای شنیده شدن همه صداها آغاز شود.

ریل‌گذاری‌هایی که حتی می‌تواند به فرایند اصلاح قانون اساسی منتهی شود تا دعوت از کنش‌گران تونسی برای سفر به ایران و انتقال تجربیات‌شان، یا فراهم کردن زمینه لازم برای توسعه منطقه‌ای و از خلال گفت‌وگوی حاشیه و مرکز و نیز بسیاری موارد دیگر، که همه می‌توانند جزو وظایف سیاستی / ستادی این معاونت قرار گیرند.

اگر چنین شود، پس در انتها می‌توان گفت انقلاب ایران نیز می‌تواند همانند انقلاب تونس بشود. پوست بیاندازد و دگرگون شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

اصول اخلاقی در مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این پژوهش نهاد حامی مالی نداشته است.

بازیگرانی «که هم جایگاهی در حکومت دارند و هم توانایی برای ارتباط و تعامل با جامعه و نهادهای مدنی، [بنا بر این] باید پا به میدان گذارند، وارد عمل شوند و بکوشند تا عزم حاکمان را با خواسته جامعه نزدیک و هماهنگ کنند.» (رنانی، ۱۳۹۶).

او معاونت ویژه ریاست‌جمهوری در حوزه گفت‌وگوی ملی اینک به موازات این درخواست‌های انسان‌دوستانه و مطالبات مدنی، در بستر اندیشه الغنوشی، به جای شورای مدنظر الغنوشی و به مدیریت شورای سیاست‌گذاری این معاونت می‌نشیند تا در طی گفت‌وگوی اعضای شورای سیاست‌گذار این شورا، کلید یک «برنامه تربیتی» و روندی از «آموزش‌های سیاسی»، توسط این بازیگران میانی زده شود؛ روندی از آموزش‌های سیاسی و برای درمان «بیماری‌های سیاسی مانند رادیکالیسم، جمود و انحصارطلبی (علی‌خانی، ۱۳۹۰: ۴۳۶)، در گفت‌وگو»ی میان جامعه و حکومت و به واسطه کنشگران مرزی.

بنابراین تنظیم چارت سازمانی این معاونت بسیار اهمیت پیدا می‌کند، مانند اینکه کنشگران مرزی در کدام بخش این سازمان و در حوزه‌های ستاد و صف آن، از چه اقتدار قانونی و دامنه عملی برخوردارند و... که البته در حوصله این گفتار نیست، ولی راهبرد اصلی این معاونت می‌تواند در دادن شأنی فرادستی و فراجناحی به برنامه عمل آن متکی باشد.

داشتن شأنی فرادستی و فراجناحی بدین معنا که -برخلاف شوراهای حل اختلاف- از هیچ قدرت قانونی و ضمانت اجرایی برای اجبار به مصالحه و آشتی برخوردار نباشد و صرفاً متکی به تجربه کار میدانی شخص معاونت این نهاد و بازی اقتناع، همکاری و مصالحه، دستورکارهایی برای گفت‌وگو و طرح مطالبات تمامی ذی‌نفعان بی‌شمار مناقشه

تعارض منافع

مقاله تعارض منافع ندارد.

تشکر و قدردانی

به یاد و خاطره طارق طیب محمد بن بوعلیزی که در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ در اعتراض به توقیف کالاهایش و تحقیری که یک مأمور زن شهرداری به او روا داشته بود، خود را در مقابل ساختمان شهرداری شهر تونس به آتش کشید.

۱۳۹۶.

منابع فارسی

قنادباشی، س. ج. (۱۳۹۳). پیروزی ضدانقلاب در انتخابات تونس. قابل دسترس در [http://irdiplomacy.ir/fa/news/1942249/](http://irdiplomacy.ir/fa/news/1942249)

محرابی، ع. ر. و خبرگزاری فارس. (۱۳۹۱). بیداری اسلامی؛ انقلاب مردم تونس و چالش‌های فراروی آن. قابل دسترس در <http://www.farsnews.ir/news/13910223000337>

ابراهیم‌نیا، ح. (۱۳۹۲). جنبش‌های اسلامی تونس. در: م. ر. حاتمی، و م. بحرانی. *دایره‌المعارف جنبش‌های اسلامی*. جلد ۴. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ابراهیمی، ش. و ستوده، ع. ا. (۱۳۹۱). امکان‌سنجی الگودهی انقلاب اسلامی ایران به جنبش‌های دینی مردمی اخیر در خاورمیانه. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹(۲۸)، ۱۱۱-۱۳۶.

ببری، ن.، عباسی، م.، و مغنی، م. (۱۳۹۳). سیاست خارجی ترکیه و بیداری اسلامی مطالعه موردی: تحولات مصر و تونس. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۵(۱)، ۱-۲۶.

بهشتی، س. م. (۱۳۹۸). باغبانی از فرهنگ ایرانی در آستانه بهار مدنیت. در: ن. فاضلی، و م. کلانی. *فرهنگ ایرانی در درازنای تاریخ: آیا همچنان ایرانی هستیم؟ چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران*. جلد ۳. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

تلاشان، ح. و نصردهزیری، ا. (۱۳۹۳). تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس. *فصلنامه سیاست*، ۴(۴)، ۷۴۳-۷۶۲.

توفیق، ا. (۱۳۹۸). سوژه‌سازی از بالا و سوژه‌گریزی از پایین. در: ن. فاضلی، و م. کلانی. *فرهنگ ایرانی در درازنای تاریخ: آیا همچنان ایرانی هستیم؟ چشم‌اندازهای فرهنگ معاصر ایران*. جلد ۳. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

رحمانی، م. ج. (۱۳۹۱). تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب النهضة تونس با تأکید بر افکار حضرت امام خمینی. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹(۲۸)، ۲۱۵-۲۳۲.

رنانی، م. (۱۳۹۶). ایثارگران سیاسی. قابل دسترس در http://t.me/Renani_Mohsen/227

شفیعی، ی. (۱۳۹۳). جایگاه اسلام‌گرایان در انتخابات تونس. قابل دسترس در <https://www.irinn.ir/fa/news/73259>

علیخانی، ع. ا. (۱۳۹۰). غنوشی. در: ع. ا. علیخانی و همکاران. *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*. جلد ۱۸. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فراستخواه، م. (۱۳۹۶). بخشی کوچک از تحقیق فراستخواه درباره مفهوم «کنشگران مرزی» در ایران. مقاله ارائه شده در: همایش دولت و مردم، تهران، ایران، ۳ اردیبهشت

References

- Alikhani, A. A. (2011). [Ghannouchi (Persian)]. In A. A. Alikhani, et al. *Political thought of Muslim thinkers*. Vol. 18. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2337463>
- Babri, N., Abbasi, M., & Moghammie, M. (2014). [Turkish foreign policy and Islamic awakening: A case study on the developments in Egypt and Tunisia (Persian)]. *Contemporary Political Studies*, 5(11), 1-26. https://politicalstudy.ihs.ac.ir/article_1192.html
- Beheshti, S. M. (2019). [Gardening of Iranian culture on eve of civilization spring (Persian)]. In N. Fazeli, & M. Kalani. *Iranian culture throughout history: Are we still Iranian? Perspectives of contemporary Iranian culture*. Vol. 3. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communications. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4933287>
- Ben Salem, L. 2010. "Tunisia". edited by Kelly, Sanja & Breslin, Julia. *Women's Rights in the Middle East and North Africa*. New York: Freedom House & Lanham: Rowman & Littlefield Publishers, INC: 487 – 516.
- Ebrahim Nia, H. (2013). [Tunisian Islamic movements (Persian)]. In M. R. Hatami, & M. Bahrani. *Encyclopedia of Islamic movements*. Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3133560>
- Ebrahimi, Sh., & Sotoodeh, A. A. (2012). [Feasibility study of modeling the Islamic Revolution of Iran to recent religious-popular movements in the Middle East (Persian)]. *Journal of Islamic Revolution Studies*, 9(28), 111-36. <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1341-fa.html>
- Farasatkah, M. (2017). [A small part of Faraskhah's research on the concept of "border actors" in Iran (Persian)]. Paper presented at Government and People Conference, Tehran, Iran, 23 April 2017. <https://farasatkah.blogspot.com/1396/02/13/post-343>
- Gall, C. 2015. "In Tunisia, a Mission of Justice and a Moment of Reckoning". New York Times [Website]. 6 November. Available at: <http://www.nytimes.com/2015/11/07/world/africa/in-tunisia-a-mission-of-justice-and-a-moment-of-reckoning.html>
- Ghanadbashi, J. (2014). [Counter-revolutionary victory in the Tunisian elections (Persian)]. Retrieved from <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1942249>
- Gana, Nouri. 2013. *The Making of the Tunisian Revolution: Contexts, Architects, Prospects*. Oxford: Oxford University Press.
- International Monetary Fund. 2018. *World Economic Outlook Database* [Website]. 9 October. Available at: <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/weo-database/2018/October>
- Lišter, Tim. 2011. "After the Arab Spring: Islam, democracy, bikinis and polygamy". CNN [Website]. 29 October. Available at: <https://edition.cnn.com/2011/10/28/opinion/analysis-libya-islam/index.html>
- Mehrabi, A. R., & Farsnews. (2012). [Islamic awakening: The Tunisian people revolution and its challenges (Persian)]. Retrieved from <https://www.farsnews.ir/news/13910223000337>
- Murray, Elizabeth & Stigant, Susan. 2017. "Building a Common Vision of the State: The Role of National Dialogues". edited by Aall, Pamela & Crocker, Chester A. *The Fabric of Peace in Africa; Looking beyond the State*. Waterloo: Centre for International Governance Innovation: 289 – 300.
- Porter, M. E., Schwab, K., & Sala-I-Martin, X. (2007). *Global Competitiveness Report 2007-2008*. World Economic Forum. London: Palgrave Macmillan. <https://books.google.com/books?id=KE8HHQAACAAJ&dq>
- Porter, M & Schwab, K. 2008. *Global Competitiveness Report 2008-2009*. World Economic Forum.
- Rahmani, M. J. (2012). [The impact of Islamic Revolution of Iran on Ennahda Movement party of Tunisia with an emphasis on Imam Khomeini's (PBUH) thoughts (Persian)]. *Journal of Islamic Revolution Studies*, 9(28), 215-32. <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1345-fa.html>
- Renani, M. (2018). [Political veterans (Persian)]. Retrieved from https://t.me/Renani_Mohsen/227
- Prince, R. 2013. "Tunisia and the International Monetary Fund; Part 1: Structural Adjustment: Former President Ben Ali's Gift to Tunisia". *Foreign Policy in Focus* [Website]. 15 April. Available at: https://fpif.org/structural_adjustment_former_president_ben_alis_gift_to_tunisia_part_one/

- Shafiee, Y. (2014). [The position of Islamists in the Tunisian elections (Persian)]. Retrieved from <https://www.irinn.ir/fa/news/73259>
- Talashan, H., & Nasr Dehziri, A. (2015). [The effects of Islamic Revolution of Iran on Islamic awakening in Tunisia (Persian)]. *Political Quarterly*, 44(4), 743-62. [DOI:10.22059/JPQ.2014.53793]
- Tessler, M. 1997. "The Origin of Popular Support for Islamist Movements: A Political Economy Analysis". edited by Entelis, John Pierre. *Islam, Democracy, and the State in North Africa*. Bloomington & Indianapolis: Indiana University Press: 93 – 126.
- Toufigh, E. (2019). [Subjectification from above and avoidance subject from below (Persian)]. In N. Fazeli, & M. Kalani. *Iranian culture throughout history: Are we still Iranian? Perspectives of contemporary Iranian culture*. Vol. 3. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communications. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4933287>
- Unicef Annual Report 2017; Tunisia. 2017. UNICEF [Website]. Available at: https://www.unicef.org/about/annual-report/files/Tunisia_2017_COAR.pdf
- UNICEF DATA: Country Profiles; Tunisia. 2020. UNICEF [Website]. Available at: <https://data.unicef.org/country/tun>